

خبر شرط جدید برای بازنشستگی اعلام شد

افرادی که بنا به تقاضای خود مایل به بازنشستگی بدون رعایت سابقه خدمت الزامی باشند، می‌توانند با ارائه درخواست شخصی، مطابق قوانین مربوط و بدون رعایت سابقه خدمت الزامی بازنشسته شوند؛ اما حقوق بازنشستگی آنان متناسب با سنوات الزامی و به نسبت سنوات خدمت قابل قبول آنان به سنوات الزامی خدمت برای بازنشستگی محاسبه خواهد شد. صندوق بازنشستگی کشوری جزئیات اجرای افزایش سنوات الزامی خدمت برای بازنشستگی را اعلام کرد.

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان؛ محمد سلیمانی، مدیرکل امور فنی صندوق بازنشستگی کشوری با تشریح نحوه صدور احکام بازنشستگی براساس افزایش سابقه خدمت الزامی، اظهار کرد: در اجرای ماده ۲۹ قانون برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران، افرادی که پیش از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون (۳/۱۴۰۳/۰۷) کمتر از ۱۵ سال سابقه خدمت داشته‌اند، برای بازنشستگی باید پنج سال بیشتر خدمت کنند.

وی افزود: در مورد افرادی که در این تاریخ بیش از ۲۸ سال تمام سابقه خدمت قابل قبول برای بازنشستگی داشته‌اند، سنوات الزامی خدمت آنان برای بازنشستگی افزایش نمی‌یابد.

سلیمانی ادامه داد: ماده ۲۹ قانون برنامه هفتم پیشرفت، به‌منظور کاهش ناترازی صندوق‌های بازنشستگی و تقویت توان صندوق‌ها در انجام تکالیف محوله، مقرر داشته است، برای افرادی که در تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون بین ۲۵ تا ۲۸ سال تمام سابقه خدمت قابل قبول برای بازنشستگی دارند، به‌ازای هر سال تا زمان بازنشستگی، سه ماه؛ و برای مستخدمینی که در تاریخ مذکور بین ۱۵ تا ۲۰ سال تمام سابقه خدمت دارند، به‌ازای هر سال تا زمان بازنشستگی، چهار ماه به سابقه الزامی خدمت برای بازنشستگی آنان اضافه می‌شود.

مدیرکل امور فنی صندوق بازنشستگی کشوری، افزود: براساس ماده ۲۹ قانون برنامه هفتم پیشرفت، افزایش سابقه خدمت در نظر گرفته شده برای احراز شرایط بازنشستگی، با رسیدن آقایان به ۶۲ سالگی و خانم‌ها به ۵۵ سالگی متوقف می‌شود.

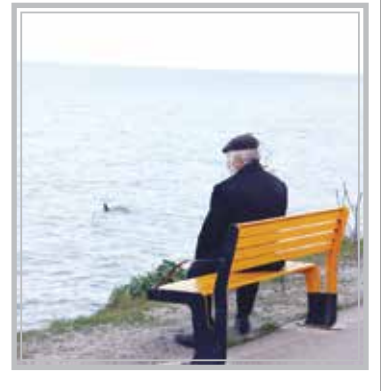
وی تصریح کرد: همچنین خانم‌هایی که براساس مستند قانونی بازنشستگی، شامل مشمولین ماده ۱۰۳ قانون مدیریت خدمات کشوری و قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۶۸/۱۲/۱۳، با ۲۵ و ۲۰ سال سابقه خدمت شرایط بازنشستگی را احراز می‌کنند و در تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، شرایط بازنشستگی براساس مستند مربوطه را داشته‌اند، مشمول افزایش سابقه الزامی نمی‌شوند.

سلیمانی در توضیح این موضوع، گفت: در واقع، اگر خانمی شرایط بازنشستگی براساس ۲۵ سال سابقه خدمت را احراز کند و در تاریخ ۳/۱۴۰۳/۰۷ بیش از ۲۵ سال سابقه خدمت قابل قبول برای بازنشستگی داشته باشد، مشمول افزایش الزامی سنوات خدمت نخواهد شد.

وی افزود: در مورد خانم‌های مشمول مستند بازنشستگی با ۲۰ سال سابقه خدمت و آقایان مشمول بازنشستگی با ۲۵ سال سابقه خدمت نیز این قاعده برقرار است.

مدیرکل امور فنی صندوق بازنشستگی کشوری، گفت: به استناد این ماده قانونی، ایشان‌گران، معلولین و شاغلان مشاغل سخت و زیان‌آور که مشمول قوانین خاص هستند، از این حکم مستثنی بوده و مشمول افزایش سابقه خدمت الزامی برای بازنشستگی نمی‌شوند.

سلیمانی در ادامه، اظهار کرد: طبق تبصره (۶) ماده ۲۹ قانون برنامه هفتم، افرادی که بنا به تقاضای خود مایل به بازنشستگی بدون رعایت سابقه خدمت الزامی باشند، می‌توانند با ارائه درخواست شخصی، مطابق قوانین مربوط و بدون رعایت سابقه خدمت الزامی بازنشسته شوند؛ اما به نسبت سنوات خدمت قابل قبول آنان متناسب با سنوات الزامی و به نسبت سنوات خدمت قابل قبول آنان به سنوات الزامی خدمت برای بازنشستگی محاسبه خواهد شد.



نسل Z هر آنچه حکومتی نیست می‌پسندند

یک جامعه‌شناس درباره نسل زد گفت: «نسلی که می‌خواهد آزادی داشته باشد، استقلال برایش مهم است، شغل می‌خواهد و کلی بحران جنسی و هویتی از سر می‌گذراند، اگر برای این نسل کاری انجام ندهیم مشخص است که باید در آینده نگرانش بود.»

تجمع پرشمار هواداران نیما تکیدو، یوتیوبر و اینفلوئنسر، بار دیگر شکاف میان مرجعیت‌های رسمی و الگوهای برآمده از شبکه‌های اجتماعی را به مرکز توجه آورد؛ رخدادی که برای بخشی از افکار عمومی غافلگیرکننده بود، اما برای نسلی که ارتباطی پیوسته و نزدیک با چهره‌های فضای مجازی دارد، الزاماً اتفاقی غیرعادی به‌نظر نمی‌رسد.

به گزارش خبرنگاران، پرسش اصلی این است، در این ماجرا باید خود چهره مشهور را دید یا جمعیتی را که برای دیدنش گرد آمده‌اند؟ نیماشجاعی، جامعه‌شناس، معتقد است تمرکز صرف بر یک فرد، صورت مسئله را مخدوش می‌کند، به گفته او: «چنین پدیده‌هایی مسائل ساختاری هستند.» او کاهش مرجعیت نهادهای میانجی، از مدرسه و دانشگاه تا رسانه، و میل جوانان به یافتن صداها و الگوهای نزدیک‌تر به تجربه روزمره‌شان را از زمینه‌های شکل‌گیری این وضعیت می‌داند.

فاطمه کاظمی خالدی، روان‌ترشح، نیز این گردهمایی را تنها حاصل جذابیت یک اینفلوئنسر نمی‌داند و بر نیاز به تعلق تأکید می‌کند، به تعبیر او: «حضورشان در اجتماع صرفاً برای دیدن این فرد مشهور نیست.» از آن‌گاه، و دنبال‌کنندگان در فضای مجازی شبکه‌ای از معنا و زیان مشترک می‌سازند و حضور جمعی، امکان تجربه عینی این هویت مشترک را فراهم می‌کند.

متن کامل گفت‌وگو در ادامه آمده است.

نقش ساختارها در ظهور اینفلوئنسرها

*در ماجرای تجمع چند هزار نفری برای دیدن نیما تکیدو، آیا سوره اصلی این شخص است یا آن جمعیتی که برای دیدن او جمع شده بودند؟

کاظمی خالدی: من هم مانند خیلی‌ها از ایشان شناختی نداشتم، بعد از این ماجرا برایم این سوال ایجاد شد که این فرد چه ویژگی‌هایی دارد که می‌تواند چندین هزار نفر را در یک مکان مشغول جمع کند؟ ما به جست‌وجوی بیشتر شکل سوال برایم تغییر کرد، پرسش باید این باشد که وقتی یک فرد مشهور برای یک رویداد دعوت می‌کند و چند هزار نفر گرد هم جمع می‌شوند ما چه پدیده‌ای رویه‌رو هستیم، به‌گمانم باید به پدیده توجه کنیم، در دو سطح این موضوع را بررسی کرد، یک این‌که آن هزاران نفر قبل از آن اجتماع چه رابطاتی با چهره مشهور ایجاد کرده بودند و در سطح دیگر بعد از این‌که وارد آن اجتماع شدند چه تجربه‌ای داشتند.

شجاعی: در جامعه‌شناسی ما دوگانه فرد یا ساختار داریم، از خودمان می‌پرسیم در هر پدیده‌ای فرد اهمیت دارد یا ساختارهای کلان؛ چنین پدیده‌هایی مسائل ساختاری هستند و ما نمی‌توانیم درباره فرد صحبت کنیم، این ساختارها هستند که دارند روی رفتار و کنش‌های فرد اثر می‌گذارند. درهمین مورد اخیر آیا نیما تکیدو این مقدار اثربخش است؟ یا اینکه باید پرسید ساختارها چه نقشی داشتند؟ چه ساختاری باعث شده سلبریتی یا اینفلوئنسری مثل نیما تکیدو هم مطرح شود و هم دنبال کننده داشته باشد؟ متأسفانه ما ندانیم به چه دلایل اجتماعی عقب هستیم، از حوادث سال ۱۴۰۰ گرفته تا همین سال ۱۴۰۴ دایم در مواجهه با مسائل اجتماعی همه شکه می‌شویم.

پایان انحصار رسانه و جایه‌جای مرجعیت
*شما معتقد هستید ساختار سبب‌ساز ایجاد چنین پدیده‌ای شده است، ویژگی این ساختارها چیست که از کنار آن نیما تکیدو پدیده می‌شود؟

شجاعی: نهادهای میانجی مانند دانشگاه، مدرسه، رسانه باید اهمیت دارند، وقتی در یک ساختار دانشگاه، جامعه‌شناس‌ها، رسانه‌ها مرجعیت خودش را از دست بدهد این جامعه همیشه درگیر شوکه شدن می‌شود، وقتی مرجعیت نداشته باشد یک اینفلوئنسر در فضای مجازی که شاید دارد حرف روزمره مردم را می‌گوید با استقبال مواجه می‌شود چراکه به‌نظر می‌آید شبیه مردم است.

*یعنی مردم یا حداقل بخشی از جامعه از الگوهای که جریان رسمی کشور معرفی می‌کندفاصله می‌گیرند؟

شجاعی: دقیقاً.

*یعنی مثلاً از علیرضا دبیر که هم ورزشکار بوده هم دوره‌ای مدیریتی در شهر و ورزش داشته به‌عنوان الگوی ایده‌آل جریان رسمی کشور فاصله می‌گیرند و به نیما تکیدو نزدیک می‌شوند، درست است؟

شجاعی: دقیقاً همین است، اما بخش جذاب برای من این است که علت یابی کنیم، باید بدانیم که چه شده مرجعیت رسمی هوادهای میانجی از بین رفته است. *خودتان بگویید چرا مرجعیت گروه‌های میانجی مدنظر شما از بین رفته؟

شجاعی: یکی از علل آن رسانه و فضای مجازی است، انحصار رسانه از بین رفته است. ما قبل‌تر شاهد بودیم جریان‌های اصلاح‌طلب یا اصول‌گرا با روزنامه‌هایی که در اختیار داشتند می‌توانستند مرجعیت خودشان را حفظ کنند.

*خانم دکتر شما به ما کمک کنید، این جریان‌های اصلاح‌طلب و اصول‌گرا همین حالا در فضای مجازی رسانه‌های خودشان را دارند، یعنی اگر نوع رسانه تغییر کرده آن‌ها هم نتوانسته‌اند در فضای مجازی حضور

داشته باشند، اما چرا بخش جوان جامعه آن‌ها را مرجع رسانه‌ای خودش نمی‌داند و سراغ سلبریتی یا اینفلوئنسرهایمی‌رود؟

کاظمی خالدی: من موضوع را خیلی مختص نوجوانان نمی‌دانم؛ این پدیده فقط با شدت بیشتری در نوجوانان وجود دارد اما تنها برای آن‌ها نیست و در تمام سنین چنین رفتاری را شاهد هستیم. ولی این نکته رو باید گفت مرجع رسانه‌ای گروه نوجوان با سایر گروه‌های سنی متفاوت است. نیما تکیدو یک یوتیوبر است و من خودم حداقل با یوتیوب سروکار ندارم. نوجوان به ارزش‌های گروه همسال خود خیلی حساس است، این ارزش‌ها جزوی از آن وظایف رشدی او برای کسب استقلال و فاصله گرفتن از خانواده است که لزوماً نمی‌تواند نکته منفی باشد.

ارتباط افراد با اینفلوئنسرها دو وجهی هست، فرد از یک طرف احساس می‌کند با یک مورد آرمانی مواجه است و از طرف دیگر احساس می‌کند زندگی‌اش کاملاً شبیه او است و حتی احساس می‌کند که می‌تواند مانند او شود، در ارتباط مجازی افراد صدا و تصویر روایت فرد را دارند اما با یک بدن زنده و پاسخ دهنده مواجه نیستند، در رابطه حضوری افراد با بدن خودشان حضور دارند و می‌توانند با سکوت کردن یا فاصله گرفتن به ما پاسخ بدهند؛ افرادی که مدت‌ها هست که این اینفلوئنسر را دنبال می‌کنند احتمالاً زیان مشترک دارند و یک گروه را تشکیل می‌دهند، گروه یک شبکه از ارتباط و معنا را می‌سازد که افراد در آن قرار دارند، حالا امکان یک گردهمایی اجازه می‌دهد افراد این گروه جدا از فضای مجازی در یک وضعیت بدنمند دور هم جمع شوند، بنابراین با این نگاه حضور بر تعداد افراد این گروه در آن گردهمایی شاید چندان هم عجیب نباشد.

شگفتی نسل‌های دیگر از یک چهره آشنا برای نوجوانان

*جمع شدن جمعیت مثلاً برای دیدن یک چهره مشهور مثل نصرالله معین اگر روزی به ایران بیاید خیلی پذیرفتی است، مثلاً برای درگذشت آقای عبیدی چنین اتفاقی افتاد و گروه زیادی در خاکسپاری ایشان جمع شدند و حتی با سایر هنرمندان سلفی و عکس انداختند، اما احساس می‌شود همین تجمع برای نیما تکیدو باید یک پدیده باشد برای همین برای خیلی‌ها غیرمنتظره بود، خیلی‌ها از وجود چنین فردی یا این میزان از طرفدار اطلاعی نداشتیم، نظراتان چیست؟

کاظمی خالدی: همانطورکه گفته شد بخشی از این شگفتی نتیجه همان تفاوت در رسانه‌هایی است که ما دنبال می‌کنیم، این موضوع احتمالاً برای آن نسل خیلی شبیه پدیده نباشد، من و خیلی از افراد نزدیک به من نیما تکیدو رو نمی‌شناختیم، اما این فرد برای نوجوان‌ها کاملاً شناخته شده بود. مسئله دیگر به تفاوت فرد مشهور و اینفلوئنسر برمی‌گردد، از فرد مشهور یا ستاره یک تصویری وجود دارد و اغلب هم رابطه با او مداوم و پیوسته نیست، اما رابطه فرد با اینفلوئنسر کاملاً نزدیک است چون همه ابعاد او را دایم در فضای مجازی دنبال می‌کند.

*خیلی‌ها می‌پرسند چطور می‌شود در وضعیت جنگی این افراد بکدیگر را پیدا می‌کنند و چنین جمعیتی شکل می‌دهند؟

کاظمی خالدی: خیلی از این نوجوان‌های دوه نود در این یکسال روزهای زیادی را مدرسه نرفتند، بنابراین حضورشان در گروه‌هایی که در آن عضو بودند کم‌رنگ شد، به‌همین دلیل این‌ها باید در یک اجتماعی آن احساس تعلق را پیدا می‌کردند، یعنی حضورشان در اجتماع صرفاً برای دیدن این فرد مشهور نیست بلکه نیاز به احساس تعلق و قرار گرفتن در یک گروه از افرادی که شبیه هم هستند و احساس مشترکی دارند

از آب‌بازی در پارک آب‌و‌آتش تا تجمع برای نیما تکیدو

نسل Z هر آنچه حکومتی نیست می‌پسندند

یک جامعه‌شناس درباره نسل زد گفت: «نسلی که می‌خواهد آزادی داشته باشد، استقلال برایش مهم است، شغل می‌خواهد و کلی بحران جنسی و هویتی از سر می‌گذراند، اگر برای این نسل کاری انجام ندهیم مشخص است که باید در آینده نگرانش بود.»

تجمع پرشمار هواداران نیما تکیدو، یوتیوبر و اینفلوئنسر، بار دیگر شکاف میان مرجعیت‌های رسمی و الگوهای برآمده از شبکه‌های اجتماعی را به مرکز توجه آورد؛ رخدادی که برای بخشی از افکار عمومی غافلگیرکننده بود، اما برای نسلی که ارتباطی پیوسته و نزدیک با چهره‌های فضای مجازی دارد، الزاماً اتفاقی غیرعادی به‌نظر نمی‌رسد.

به گزارش خبرنگاران، پرسش اصلی این است، در این ماجرا باید خود چهره مشهور را دید یا جمعیتی را که برای دیدنش گرد آمده‌اند؟ نیماشجاعی، جامعه‌شناس، معتقد است تمرکز صرف بر یک فرد، صورت مسئله را مخدوش می‌کند، به تعبیر او: «چنین پدیده‌هایی مسائل ساختاری هستند.» او کاهش مرجعیت نهادهای میانجی، از مدرسه و دانشگاه تا رسانه، و میل جوانان به یافتن صداها و الگوهای نزدیک‌تر به تجربه روزمره‌شان را از زمینه‌های شکل‌گیری این وضعیت می‌داند.

فاطمه کاظمی خالدی، روان‌ترشح، نیز این گردهمایی را تنها حاصل جذابیت یک اینفلوئنسر نمی‌داند و بر نیاز به تعلق تأکید می‌کند، به تعبیر او: «حضورشان در اجتماع صرفاً برای دیدن این فرد مشهور نیست.» از آن‌گاه، و دنبال‌کنندگان در فضای مجازی شبکه‌ای از معنا و زیان مشترک می‌سازند و حضور جمعی، امکان تجربه عینی این هویت مشترک را فراهم می‌کند.

متن کامل گفت‌وگو در ادامه آمده است.

شجاعی: ماجرای جمع شدن هواداران نیما تکیدو پدیده نوظهوری نیست، ما در قبل ماجرای پارک آب و آتش را داشتیم، آن‌ها هم نوجوان‌هایی بودند که برای دیدنش گرد آمده‌اند؛ نیماشجاعی، جامعه‌شناس، معتقد است تمرکز صرف بر یک فرد، صورت مسئله را مخدوش می‌کند، به گفته او: «چنین پدیده‌هایی مسائل ساختاری هستند.» او کاهش مرجعیت نهادهای میانجی، از مدرسه و دانشگاه تا رسانه، و میل جوانان به یافتن صداها و الگوهای نزدیک‌تر به تجربه روزمره‌شان را از زمینه‌های شکل‌گیری این وضعیت می‌داند.

وقتی روایت رسمی، تجربه زیسته جامعه را نادیده می‌گیرد

*این گروه از نوجوانان ادبیات خاصی دارند، حتی گاهی از الفاظی استفاده می‌کنند که مرسوم نیست، یا مثلاً پوشش خاصی دارند، این گروه را با این ویژگی‌هایی که دارند باید قضاوت کرد و به آنها چرچسبی زد؟
شجاعی: بله خیلی‌های می‌گویند الفاظ این گروه مبتذل است، اما این الفاظ برای این گروه کارکرد دارد و با آن می‌توانند عضو گروه شوند، اما مسئول چنین وضعیتی این بچه‌ها نیستند، مسئول فضای تربیتی است، در ماجرای نیما تکیدو این‌به‌نظرم رسید که چنین جمعیتی با هویت ما سازگار است یا نه و اینکه آیا اگر آلمان‌های هویتی در این گروه کم‌رنگ است این نوجوانان گناهکار هستند؟ بجز قطع گناهکار نیستند همان‌طورکه آن جمیع در میانه جنگ برای ادامه زندگی شمال رفتند، این‌ها دنبال زندگی هستند، این گروه در مشکلات ساختاری دارد به زندگی فکر می‌کند، اما اگر ما نگران این ابتذال کلامی هستیم باید ببینیم مشکل ساختاری ما است این‌ها چنین ادبیاتی دارند.

کاظمی خالدی: به‌نظرم آسیب‌شناسی در فرد وجود ندارد، بلکه آسیب‌شناسی در ساختار و جامعه وجود دارد. شاید برجسب‌هایی از قبیل ناهنجار بودن به این افراد خورده شد اما واقعیت این است که ما تا قبل از اینکه با تک تک افراد مصاحبه نکنیم و درمورد رنجی خیابان خوشحالی نکنند، آیا چنین خوشحالی نتیجه اختلال جمعی است؟ آیا با این خوشحالی هویت ملی ما زیر سوال نرفت؟ بله قطعاً هویت ما دچار خدشه شد اما ما با جامعه‌ای مواجه بودیم که سرشار از تروما هستند، آیا به نیازهای آن‌ها پاسخ مناسب داده شده است؟ بنابراین در وضعیت کنونی جامعه‌شناسی چنین رفتارهایی این می‌شود که فرد چراغچه که احساس کند حکومتی نیست می‌پسندد، بنابراین مثالی که در قبل زدم درخصوص آب بازی دختر و پسر در پارک آب و آتش هم همین مسئله در آن وجود دارد، انتخاب کردن چیزی که انتخاب حکومت نیست، یا درباره فوتبال گفته می‌شود این تیم ملی ما نیست، تیم حکومت است، به‌نظرم ما نتوانستیم روایت‌های دقیق و درست از جامعه داشته باشیم و هربار هم که خواستیم روایت کنیم نوعی روایت نزدیک به جریان حاکمیت مطرح بود.

شجاعی: فکر می‌کنم جامعه‌شناسی سیاسی این مسئله هم بسیار مهم است، ما قبل‌تر پدیده‌هایی داشتیم که این می‌توانین درباره آن‌ها حرف بزنیم، مانند واکنش به تیم ملی فوتبال در سال ۱۴۰۱ هیچ وقت یادم نمی‌رود ایران باخت و برخی مردم در خیابان خوشحالی کردند، آیا چنین خوشحالی نتیجه اختلال جمعی است؟ آیا با این خوشحالی هویت ملی ما زیر سوال نرفت؟ بله قطعاً هویت ما دچار خدشه شد اما ما با جامعه‌ای مواجه بودیم که سرشار از تروما هستند، آیا به نیازهای آن‌ها پاسخ مناسب داده شده است؟ بنابراین در وضعیت کنونی جامعه‌شناسی چنین رفتارهایی این می‌شود که فرد چراغچه که احساس کند حکومتی نیست می‌پسندد، بنابراین مثالی که در قبل زدم درخصوص آب بازی دختر و پسر در پارک آب و آتش هم همین مسئله در آن وجود دارد، انتخاب کردن چیزی که انتخاب حکومت نیست، یا درباره فوتبال گفته می‌شود این تیم ملی ما نیست، تیم حکومت است، به‌نظرم ما نتوانستیم روایت‌های دقیق و درست از جامعه داشته باشیم و هربار هم که خواستیم روایت کنیم نوعی روایت نزدیک به جریان حاکمیت مطرح بود.

***مقصر چنین وضعیتی کیست؟**

شجاعی: به‌نظرم علوم اجتماعی کشور نه تنها خدمتی به کشور نکرده بلکه سبب شده مسائل اجتماعی از اولویت سیاستگذار خارج شود در واقع خیانت کرده است.
شجاعی: وقتی کسی علوم اجتماعی نمی‌داند و در جایگاه علوم اجتماعی دان قرار می‌گیرد معلوم است که دارد خیانت می‌کند، بخش از علوم اجتماعی برای این است که هیچ‌وقت خود را نپذیرفته باشد و شکست خود را نپذیرفته باشد.
*آیا نوجوانان ما نیاز به الگو دارند؟
کاظمی خالدی: نیاز به الگو داشتن جزو نیازهای روانی و رشدی فرد محسوب می‌شود.

نسلی در جست‌وجوی آزادی، استقلال و آینده
*لان این خانواده ایرانی از اینکه فرزندش ادبیات متفاوتی دارد، یا سبک متفاوتی لباس می‌پوشد و احتمالاً از الفاظ متفاوتی استفاده می‌کند باید نگران بشد؟
کاظمی خالدی: یک بخشی از این نگرانی به دلیل تفاوتی هست که وجود دارد، عموماً تفاوت‌ها ایجاد ابهام می‌کنند و ایجاد ابهام می‌تواند ترسناک باشد. بخشی از این مسائل برای دوره نوجوانی رایج هستند البته به این معنا نیست که هیچ وقت نمی‌تواند موضوع خطرناکی باشد چراکه ممکن است یک نوجوانی برای دنبال کردن افراد مشهور و اینفلوئنسرها انرژی زیادی صرف کند و همچنین خطراتی او را تهدید کند.
شجاعی: واقعیت‌صفر و یک نیست، گاهی برای انکار کردن به پدیده‌ها به صورت خیر و شر نگاه می‌کنیم درصورتی که این قبیل مسائل را باید به صورت یک طیف نگاه کرد. در علوم انسانی یادگرفتیم که یک معیار داشته باشیم و بگوییم حالت نرمال این است و باید پرسید با حالت نرمال چقدر فاصله داریم، در این روش حتی اگر فاصله با وضعیت نرمال زیاد بود می‌توانیم نگران هم نشویم.

ما در مسائل اجتماعی یک شاخصی داریم به نام SPI (Social Progress Index) یا همان شاخص پیشرفت اجتماعی، مدتی قبل گزارش چند سال قبل این شاخص را مطالعه می‌کردم که رتبه ایران بین ۱۶۰ کشور ۱۰۲ بود، این نشان می‌دهد وضعیت جامعه چگونه است، SPI سه شاخص اساسی شامل نیازهای اساسی، نیازهای رفاهی و فرصت‌ها دارد، و فرصت‌ها دقیقاً برای همین نسل محسوب می‌شود نسلی که می‌خواهد آزادی داشته باشد، استقلال برایش مهم است، شغل می‌خواهد و کلی بحران جنسی و هویتی

از سر می‌گذراند، اگر برای این نسل کاری انجام ندهیم مشخص است که باید در آینده نگران این نسل بود.

درحال حاضر با داشتن رتبه ۱۰۲ در شاخص SPI من یقه رفاهتی را بگیریم که در جامعه به این رتبه‌های اجتماعی جامعه ایرانی کم توجهی کردند، نقطه شروع تغییر شناخت است و گاهی نه تنها جلوی شناخت گرفته شد بلکه آدرس غلط هم داده‌اند.

«گزارش‌بازی» در اوقات فراغت جوانان ممنوع!

دستورالعمل جدید نوآورانه ابلاغ شد



مدیرکل طرح‌های ملی و فراگیر جوانان وزارت ورزش و جوانان با تأکید بر نقش ستادهای ساماندهی امور جوانان در سیاست‌گذاری و هماهنگی برنامه‌های اوقات فراغت، گفت: با توجه به اینکه بیش از ۲۳ دستگاه براساس قوانین و اسناد بالادستی در حوزه غنی‌سازی اوقات فراغت مسئولیت و تکلیف قانونی دارند، این معاونت، تعامل و هم‌افزایی میان دستگاه‌های اجرایی را در دستور کار قرار داده است.

اعظم کریمی در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به ابلاغ دستورالعمل اوقات فراغت به استان‌ها، اظهار کرد: انتظار می‌رود ستادهای ساماندهی امور جوانان در سطح استان و شهرستان، به‌صورت تخصصی و هدفمند به موضوع غنی‌سازی اوقات فراغت به‌ویژه برای نوجوانان و جوانان بپردازند و گزارش عملکرد دستگاه‌های عضو در این حوزه را به‌صورت منظم

بررسی و ارزیابی کنند. مدیرکل طرح‌های ملی و فراگیر جوانان تصریح کرد: غنی‌سازی اوقات فراغت صرفاً به معنای ارائه گزارش فعالیت‌های ورزشی و تکیلف جاری دستگاه‌ها نیست و این‌گونه گزارش‌ها به‌عنوان گزارش برنامه‌های غنی‌سازی اوقات فراغت قابل پذیرش نخواهد بود. برنامه‌های اوقات فراغت دارای اهداف، شاخص‌ها و مأموریت‌های مشخصی هستند و باید با رویکردی نوآورانه، خانواده‌محور و متناسب با نیازهای جوانان طراحی و اجرا شوند.

وی ایجاد نشاط اجتماعی، افزایش مشارکت جوانان، تقویت سرمایه اجتماعی و فراهم‌سازی فضاهای مناسب برای سبوری کردن اوقات فراغت خانواده‌ها را از مهم‌ترین اهداف این برنامه‌ها برشمرد و افزود: توجه جدی به غنی‌سازی اوقات فراغت می‌تواند نقش مؤثری در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، کاهش هزینه‌های اجتماعی در آینده داشته باشد. مدیرکل طرح‌های ملی و فراگیر جوانان با تأکید بر نقش محوری ستادهای تمامی دستگاه‌های ضبو این سادها با هم‌افزایی، برنامه‌ریزی مشترک و ارائه طرح‌های مؤثر، موضوع اوقات فراغت را به‌عنوان یکی از اولویت‌های اصلی خود دنبال کرده و زمینه بهره‌مندی هرچه بیشتر جوانان و خانواده‌ها از برنامه‌های متنوع، هدفمند و اثربخش را فراهم کند.

تکذیب شایعه «معافیت سربازان فراری»

سازمان وظیفه عمومی فراجا در اطلاعیه ای ضمن تکذیب شایعات فضای مجازی با عنوان "معافیت سربازان فراری" اعلام کرد: آن دسته از کارکنان وظیفه که به هردلیل خدمت سربازی خود را به اتمام نرسانده‌اند، می بایست وضعیت سربازی خود را از طریق یگان خدمتی تعیین تکلیف کنند و هیچ نوع معافیت جدیدی برای آنان در نظرگرفته نشده است.

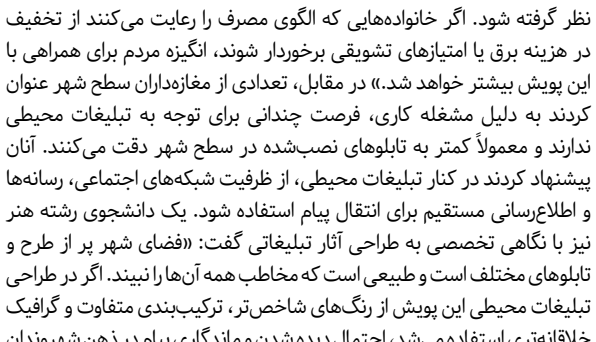
به گزارش ایسنا، سازمان وظیفه عمومی فراجا در اطلاعیه‌ای ضمن تکذیب شایعات فضای مجازی با عنوان "معافیت سربازان فراری" اعلام کرد: آن دسته از کارکنان وظیفه که به هردلیل خدمت سربازی خود را به اتمام نرسانده‌اند، می بایست وضعیت سربازی خود را از طریق یگان خدمتی تعیین تکلیف کنند و هیچ نوع معافیت جدیدی برای آنان در نظرگرفته نشده است. این اطلاعیه می‌افزاید: کارکنان وظیفه فراری در صورت عدم تعیین تکلیف وضعیت خدمتی خود از طریق یگان خدمتی، با محرومیت‌های اجتماعی از جمله عدم امکان دریافت تسهیلات بانکی، استخدام، خروج از کشور و ... مواجه خواهند شد. همچنین رسیدگی به هرنوع درخواست کارکنان وظیفه فراری از جمله معافیت پزشکی، کسر خدمت‌های سربازی بواسطه تاهل و فرزند و کسر خدمت ایثارگری والدین و ... در صورت تعیین تکلیف وضعیت فرار آنان از طریق یگان خدمتی قابل بررسی است.

در این اطلاعیه آمده است: تنها مرجع اطلاع رسانی اخبار وظیفه عمومی، پایگاه اطلاع رسانی سازمان به نشانی www.vazifeh.police.ir و کانال‌های سازمان در پیام رسان‌های داخلی(سروش)، ایتا و روبیکا) و به نشانی @khabaresarbazi می باشد و به اخبار کذبی که در فضای مجازی منتشر می شود، اعتماد نکنند



قرار همدلی» توانسته توجه بخشی از شهروندان را به موضوع مدیریت مصرف برق جلب کند و در برخی خانواده‌ها و مراکز آموزشی نیز زمینه گفت‌وگو درباره این موضوع را فراهم آورد. در عین حال، بخشی از شهروندان بر شفاف‌تر شدن پیام، استفاده از طراحی‌های شاخص‌تر، افزایش ابعاد برخی سازه‌های تبلیغاتی و بهره‌گیری همزمان از رسانه‌های مختلف برای انتقال بهتر پیام تأکید داشتند.

تبلیغات محیطی، زمانی که از طراحی مناسب، جابجایی مؤثر و پیام روشن برخوردار باشد، می‌تواند نقش مهمی در فرهنگ‌سازی و تغییر رفتار شهروندان ایفا کرده و به کاهش مصرف برق و مدیریت بهتر انرژی کمک کند.



نظر گرفته شود. اگر خانواده‌هایی که الگوی مصرف را رعایت می‌کنند از تخفیف در هزینه برق یا امتیازهای تشویقی برخوردار شوند، انگیزه مردم برای همراهی با این پویش بیشتر خواهد شد.» در مقابل، تعدادی از مغازه‌داران سطح شهر عنوان کردند به دلیل موضوع مدیریت مصرف، فرصت چندانی برای توجیه به تبلیغات محیطی ندارند و معمولاً کمتر به تابلوهای نصب‌شده در سطح شهر دقت می‌کنند. آنان پیشنهاد کردند در کنار تبلیغات محیطی، از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌ها و اطلاع‌رسانی مستقیم برای انتقال پیام استفاده شود. یک دانشجوی رشته هنر نیز با نگاهی تخصصی به طراحی آثار تبلیغاتی گفت: «فضای شهر پر از طرح و تابلوهای مختلف است و طبیعی است که مخاطب همه آن‌ها را نبیند. اگر در طراحی تبلیغات محیطی این پویش از رنگ‌های شاخص‌تر، ترکیب‌بندی متفاوت و فرایکد خلاقانه‌تری استفاده می‌شد، احتمال دیده شدن و ماندگاری پیام در ذهن شهروندان بیشتر بود.» همچنین دو تن از طراحان و گرافیست‌های حرفه‌ای اصفهان که آثار این پویش را از منظر تخصصی بررسی کرده بودند، ضمن ارزیابی مثبت طراحی گرافیکی آن، معتقد بودند پیام‌های اجرارشده روی تابلوهای با ابعاد یک در دو متر که در برخی چهارراه‌های شهر نصب شده بود، از نظر ترکیب‌بندی، خوانایی و انتقال پیام، بسیار مناسب، گویا و حرفه‌ای طراحی شده بود. به گفته آنان، مهم‌ترین محدودیت این آثار، کوچک بودن ابعاد تابلوها بود و اگر همین طرح‌ها در سازه‌های بزرگ‌تر اجرا می‌شد، میزان دیده شدن، تأثیرگذاری و ماندگاری پیام در ذهن شهروندان به مراتب بیشتر می‌شد. بررسی این گفت‌وگوهای میدانی نشان می‌دهد پویش «۲۵ درجه؛

روایت شهروندان اصفهانی از پویش «۲۵ درجه؛ قرار همدلی»

از همراهی خانواده‌ها تا پیشنهادهایی برای ارتگداری بیشتر تبلیغات محیطی

کردم و از خانواده خواستم دمای کولر را روی ۲۵ درجه تنظیم کنیم. به نظرم اگر هر خانواده این کار را انجام دهد، در مجموع تأثیر خوبی خواهد داشت.»

چند دانشجوی دانشگاه‌های منطقه ۴ نیز معتقد بودند تبلیغات محیطی این پویش توانسته موضوع مدیریت مصرف انرژی را به فضای دانشگاه‌ها بکشد. به گفته آنان، پیام‌های نصب‌شده در سطح شهر باعث شد درباره مصرف برق، مسئولیت شهروندان و راهکارهای صرفه‌جویی در جمع‌های دانشجویی گفت‌وگو‌هایی شکل بگیرد. یکی از این دانشجویان گفت: «گاهی یک پیام کوتاه در فضای شهری می‌تواند شریوع یک گفت‌وگوی مهم باشد.

برق و مسئولیت هر کدام از ما بیشتر صحبت کنیم.» چند بانوی خانه‌دار از مناطق یک، دو و ۱۴ اصفهان نیز که سطح تحصیلات آنان از دبلم تا کارشناسی ارشد بود، از اهداف این پویش استقبال کردند. آنان گفتند تلاش می‌کنند توصیه‌های مطرح‌شده را در خانه اجرا کنند و معتقدند مدیریت مصرف برق باید از خانواده آغاز شود. یکی از این بانوان اظهار کرد: «اگر هر خانواده تنها کمی در مصرف برق دقت کند، نتیجه آن به نفع همه مردم خواهد بود. این موضوع فقط کاهش هزینه‌ها نیست، بلکه کمک به حفظ منابع کشور است.» یکی دیگر از بانوان نیز گفت که پیام پویش را به‌طور کامل متوجه نشده و به نظر او، طراحی و محتوای طرح برای همه مخاطبان به اندازه کافی شفاف نبوده است. در میان افرادی که با خبرنگار ما گفت‌وگو کردند، یک معلم نیز پیشنهادی برای افزایش مشارکت مردم ارائه داد. وی گفت: «فرهنگ‌سازی بسیار مهم است، اما در کنار آن باید برای مشترکان کم‌مصرف نیز مشوق‌هایی در